

اظهارات پناهیان توجیهی برای ثروت اندوزی را نتمحور است

گفتوگویی «اعتماد» با عباس عبدي
پیرامون اظهارات اخیر «علیرضا
پناهیان» درباره ثروت اندوزی:

تبلیغ واقعی دین به ثروت نیاز ندارد

«عباس عبدي»، فعال سیاسی در ارزیابی از
اظهارات اخیر «علیرضا پناهیان» واعظ
اصولگرا درباره لزوم ثروت اندوزی کسانی که
«بچه های حزب اللهی و بچه مومنها» میخوانند،
تاکید دارد که آنچه در حوزه کسب ثروت فضیلت
محسوب میشود «تولید و احیای ثروت» است نه
دست درازی به بیت المال و جابه جایی آن به جیب
خود. عبدي در این گفتوگو تصریح میکند که
دین مردم هم ربطی به ثروت ندارد، چه بسا
ثروت میتواند عامل بی دینی هم باشد کما
اینکه امروز بعضا ثروت عامل بی دینی هم شده
است. عبدي با مرور فضای دینی جامعه در
ابتدای انقلاب یادآوری میکند که برخلاف
ادعاهای پناهیان تبلیغ دین نیاز چندانی به

پول ندارد و این ادبیات برای توجیه رفتارها و واقعیت‌هایی از دست‌درازی به رانتهای دولتی است که نمونه آن در دولت محمود احمدی‌نژاد به‌کرات دیده شده و از آن زمان قوت گرفته است.

بازنشر ویدیویی سخنرانی علیرضا پناهیان در سال ۱۳۹۷ در فضای مجازی درباره اهمیت «پول در آوردن بچه حزب‌اللهی‌ها بیش از نیازشان» و قید عباراتی همچون «مردم برای حفظ دین‌شان نیاز به پول» دارند در شرایط فعلی جامعه چه پیامی دارد و با توجه به فسادهای اقتصادی موجود، چنین اظهاراتی را جامعه قبول می‌کند؟ آقای پناهیان از چهره‌های شاخص در بین وعاظ اصولگرا هستند که بعضاً سیاست‌های خاصی را ترویج می‌کنند و این اظهارات براساس چه راهبردی طرح شده است؟

اگر بخواهیم دقیق صحبت کنیم، تولید ثروت یکی از بزرگ‌ترین خدماتی است که هر فردی می‌تواند نسبت به جامعه خود انجام دهد. متأسفانه ما تولیدکنندگان ثروت را کم‌اهمیت می‌دانیم و فکر می‌کنیم که نویسندگان و هنرمندان بودن خوب هستند و تولید ثروت و سرمایه‌دار چیز بدی است. البته در تعریف خوب بودن ثروت، باید معنای ثروت را مشخص کرد. فضیلت خواندن ثروت یعنی «تولید ثروت»، یعنی تولیدی که شغل ایجاد می‌کند و تبدیل به ثروت می‌شود و جامعه را قدرتمند می‌کند نه اینکه ثروت ملی یا دیگری را در جیب خود بگذاریم. این سخنان بیشتر به شکل دوم ثروت‌اندوزی بخش دوم است. به مخاطبان خود می‌گویند چرا دنبال کار دولتی هستید و آن را مطالبه می‌کنید، بروید تولید ثروت کنید. اگر کسی بتواند تولید ثروت واقعی کند که نمی‌رود آویزان دیگران برای کار دولتی شود. اینها فقط می‌خواهند در سیستم اداری این مملکت از رانتهای دولتی بهره‌مند شوند. علاوه بر اینکه این افراد در سیستم بخش خصوصی به راحتی جذب نمی‌شوند، چراکه از اساس نمی‌توانند متناسب با انتظارات به‌ناحقی که دارند و سطح توانایی‌های خودشان، شغل‌های بالا بگیرند. توانایی برخی افراد زد و بند با عناصر دولتی است و توانایی شغلی و حرفه‌ای برای تولید ثروت ندارند. این صحبت البته همه‌گیر نیست اما در مورد اغلب این گروه‌های رانتهای دولتی صدق می‌کند. بسیاری از مدیران این گروه، صلاحیت کارشناس عادی را هم ندارند. به مجموعه‌های دولتی می‌آیند و پست و سمت می‌گیرند و رزومه می‌سازند تا بعداً به پست‌های بالاتری بروند و

این رزومه را از طریق گرفتن پست قبلی درست می‌کنند نه از طریق صلاحیت. بسیاری از این افراد به فساد نیز آلوده می‌شوند. به دوران احمدی‌نژاد دقت کنید؛ دوره‌ای است که با چند صد میلیارد دلار درآمد نفتی، وضعیت تورم و ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی شکست کامل بود. به این خاطر که اینها تولید ثروت نمی‌کنند، بلکه ثروت را از جایی، به جیب خود منتقل می‌کنند.

در مثالی هم که آقای پناهیان درباره امیرالمومنین می‌زنند باید دقت کرد که حضرت کار می‌کرد، کشت می‌کرد، تجارت می‌کرد و ثروت را خلق و احیا می‌کرد. این کار تولید ثروت و ارزش افزوده است اما اینها می‌خواهند ثروت را به سرعت از جایی به دست بیاورند و بعد هم دنبال کار خود بروند. دین مردم هم ربطی به ثروت ندارد، چه بسا ثروت می‌تواند عامل بی‌دینی هم بشود کما اینکه امروز بعضا ثروت عامل بی‌دینی هم شده است به خصوص اگر از راه تباهی و فساد به دست بیاید. بنابراین مساله اصلی این افراد توجیه ثروت فعلی در دستشان است تا بگویند این ثروت حق ماست برای زمان ظهور امام زمان (عج) لازم داریم!! درحالی که ثروت تولید شده باید در سطح جامعه خود را نشان دهد نه فقط در جیب اقلیتی خاص. يك مقدار هم می‌خواهند با این اظهارات فسادهای فعلی را پوشش دهند و برای آن توجیهاتی درست کنند.

به لحاظ فقهی هم «کسب ثروت» مذموم نیست اما کسب آن هم بیش از اندازه واجب نشده است. درنهایت اینکه کسب ثروت در جامعه مدرن به این شرط پسندیده است که از طریق تولید باشد نه به دست آوردن ثروت ملی یا دیگران.

واقعیت این است که آنچه امروز به نام حزب‌اللهی و انقلابی می‌بینید، هیچ ربطی به مسائل ابتدای انقلاب ندارد. در ابتدای انقلاب افراد متقی بودند و به خاطر دیگران از جان و مال خود گذشت می‌کردند. من به دنبال نقل تجربه شخصی خودم نیستم اما افرادی بودند که حقوق خود را نصف می‌گرفتند و تنها نصف رقم پایینی که دولت برای‌شان به عنوان حقوق ماهانه تعیین کرده بود را دریافت می‌کردند. امروز اما این افراد جرات ندارند مبالغ حقوق خود را منتشر کنند. اینها می‌خواهند در قالب سنت ادای سلبریتی و زندگی بورژوایی درآورند و از طریق رانت زندگی کنند و بهترین راه این است که خود را آویزان این شعارها کنند. قضیه «ماکارونی تک» و توجیهات آن را فراموش نکرده‌ایم. اگر مساله تولید ثروت است چرا به ایشان آپارتمان داده شده است؟ به چه کسی آپارتمان مجانی می‌دهند که به ایشان دادند؟

اگر می‌توان مجانی زندگی کرد دیگر ثروت‌اندوزی به چه کار می‌آید؟

علاوه بر آقای پناهیان، بلاگرهایی که خود را حزب‌اللهی معرفی می‌کنند نیز اخیراً با ادبیات تازه‌ای درباره «اهمیت مسائل مالی در زندگی مومنان» صحبت می‌کنند. آیا این حرکتی هماهنگ و برنامه‌ریزی شده در یک جریان سیاسی است؟ چرا چنین موضوعی در دستورکار قرار گرفته است؟

اینها می‌خواهند مدعی ارزشها باشند، ولی محتوا را کنار می‌گذارند و به شکل و شعار بسنده می‌کنند. اخیراً فیلمی تبلیغی دیدم از خانمی که سعی می‌کرد خود را مدرن نشان دهد و در عین حال که از لباسهای برنر و زیورآلات مدرن استفاده می‌کرد آخرش هم چادری نیز بر سر انداخت که این نشانه زیبایی است!! ادبیاتی مشابه ادبیات همینها داشت. بنابراین این یک جریان سیاسی و اقتصادی است و هیچ ربطی به جریان دینی ندارد.

ایشان در جمله پایانی سخنرانی اخیر خود می‌گویند که «مردم برای ترویج دین‌شان در آخرالزمان به پول نیاز دارند.» این دیدگاه چقدر منطبق بر تعاریف مرسوم دینی درباره شرایط زندگی در دوران آخرالزمان است؟

تبلیغ واقعی و موثر دین نیاز به پول ندارد. مگر دین «خودرو» و «بی‌ام‌دلیو» است که تبلیغ آن نیازمند پول باشد؟ تبلیغ دین نیاز به اخلاق، انسانیت و صداقت دارد که فعلاً حکم کیمیا یافته. آنچه اینها به دنبال تبلیغ آن هستند، دین نیست. می‌خواهند چیز دیگری را بفروشند. مگر پیامبر (ص) وقتی تبلیغ دین می‌کردند، پول داشتند؟ حضرت ثروت همسر خود را صرف کمک به فقرا می‌کرد. مگر قبل از انقلاب مبلغان دین پول داشتند؟ عموم تبلیغ دین از جانب آدم‌هایی بود که وضع مالی خوبی هم نداشتند. این گزاره‌ها به این معنا نیست که نباید ثروتمند شوید. ثروت را باید براساس تولید ایجاد کنید. اگر تولید در یک کشور بالا برود، دین هم تبلیغ می‌شود و نیاز نیست پول صرف تبلیغ دین شود.

آیا این اظهارات می‌تواند سرآغاز ایدئولوژی فکری مبنی بر بورژوازی حزب‌اللهی باشد؟

واقعاً اگر این افراد «بورژواهای حزب‌اللهی» هم بودند، خیلی خوب بود. اینها چیز دیگری هستند که نمی‌توان در مورد آن صحبت کرد و به واقع خطرناک است. یک بورژوا می‌تواند تولیدکننده و محترم باشد نه

اینکه رانتجو باشد و از جیب بیت‌المال بالا بکشد و بعد اسم خود را بگذارد «صاحب ثروت».

باتوجه به اینکه این صحبت‌های آقای پناهیان سابقه دارد از سال‌ها قبل ایشان چنین تئوری را بیان می‌کند، آیا می‌توان گفت که این موضوع در حال تبدیل به یک گفتمان در بین محافظه‌کاران است؟

این‌گونه نیست که در حال تبلیغ گفتمان خاصی هستند یا این اظهارات نوع خاصی از گفتمان می‌شود. در حال حاضر در میان آنان واقعیتهای وجود دارد که با این صحبت‌ها می‌خواهد آن واقعیت را موجه جلوه دهند. آن واقعیت را هم، همه می‌بینید. بسیاری از این افراد در دوران احمدی‌نژاد آویزان پول نفت شدند و خوردند و بردند. بسیاری از همین افراد دین را هم کنار گذاشتند و دنبال زندگی‌شان رفتند و کارهای دیگری می‌کنند. این صحبت‌ها برای موجه جلوه دادن واقعیت فعلی است نه اینکه بخواهند گفتمانی را با واقعیت جدید ایجاد کنند.

آیا چنین نظرهایی باعث نمی‌شود باتوجه به نزدیکی طیف مخاطب ایشان که دسترس‌های زیادی به منابع دارند، برخی از آنها با توجیه پولدار شدن برای ترویج دین، دست به اقداماتی فراقانونی بزنند و از رانت بهره‌مند شوند؟

چیزی جز این نیست. یک نفر، حتی یک نفر از این افراد را نمی‌توانید نشان دهید که سرمایه‌گذاری واقعی کند، ریسک کند و از طریق عادی تولید ثروت کند. آن آقای که باغ‌وحش خصوصی داشت و نمونه‌های فراوان مشابه او را به یاد آورید. تولید یک عدد میخ یا یک کیلو میوه هم ریسک خود را دارد و اینها نمی‌توانند ریسک کنند. ریسک‌پذیر نیستند. می‌خواهند یک پولی از جایی برسد، مثل همین ماجرای چای دبش؛ حتی نمی‌توانند اصل کار را خودشان انجام دهند، عموماً اینها واسطه‌گری طرح‌ها را انجام می‌دهند، درصدی را برای خودشان بر می‌دارند و بقیه را می‌دهند به پیمانکار بیچاره. همه چیز هم به اسم واسطه تمام می‌شود.

اساساً چنین اظهاراتی که با لعاب و پوشش تحلیلهای آخرالزمانی مطرح می‌شود، می‌تواند باعث قوی شدن پایه‌های دینداری در جامعه شود یا سبب بدبینی مومنان واقعی خواهد شد؟

اگر تا حالا این کارها موجب تقویت دینداری شده است، از حالا به بعد هم می‌شود. افولی که در یک تا دو سال اخیر در دینداری مردم رخ

داده در 30 سال اخیر بیسابقه بوده است. البته اجازه نمی‌دهند اطلاعات آن سنجیده شود. شهودی می‌گویم. اما شواهد این موضوع دیده می‌شود. یادداشتی در این زمینه در دست نگارش دارم که با اطلاعات رسمی‌تری در این باره توضیح داده خواهد شد.

تبلیغ واقعی و موثر دین نیاز به پول ندارد. مگر دین «خودرو» و «پیام‌دلیو» است که تبلیغ آن نیازمند پول باشد؟ تبلیغ دین نیاز به اخلاق، انسانیت و صداقت دارد که فعلاً حکم کیمیا یافته. آنچه اینها به دنبال تبلیغ آن هستند، دین نیست. می‌خواهند چیز دیگری را بفروشند. مگر پیامبر(ص) وقتی تبلیغ دین می‌کردند، پول داشتند؟ حضرت ثروت همسر خود را صرف کمک به فقرا می‌کرد. مگر قبل از انقلاب مبلغان دین پول داشتند؟ عموم تبلیغ دین از جانب آدم‌هایی بود که وضع مالی خوبی هم نداشتند. این گزاره‌ها به این معنا نیست که نباید ثروتمند شوید. ثروت را باید براساس تولید ایجاد کنید. اگر تولید در يك کشور بالا برود، دین هم تبلیغ می‌شود و نیاز نیست پول صرف تبلیغ دین شود

منبع: روزنامه اعتماد 2 آبان 1402 □□□□□□